

نگاهی به مکتب های فلسفی تعلیم و تربیت در غرب و شرق

معصومه هرمزی نژاد

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه علوم و تحقیقات اهواز، ایران

چکیده

مقوله فلسفه تعلیم و تربیت قدمتی به درازای اندیشه فلسفی دارد، زیرا انسان تنها موجودی است که نیازمند تربیت است تا به کمال انسانیت خویش که همانا یافتن حقیقت است برسد. چرا که تعلیم و تربیت به معنای معرفت است. معرفت به معنای حقیقت است. حقیقت در همه جا یکی است که همان خداست پس تعلیم و تربیت در همه جا یکی است (آموزگار، ۱۳۷۹). تعلیم و تربیت یعنی رسیدن به حقیقت که همان شناخت ذات الوهیت از طریق شناخت خود است. فلسفه تعلیم و تربیت دارای دو مقوله فلسفه و تعلیم و تربیت می باشد که با پیوند این دو فلسفه تعلیم تربیت مطرح می شود. در این میان اندیشه ورزان شرق و غرب دست بکار شدند و آرای فلسفی تربیتی با دو رویکرد ایسم های تربیتی غرب و فلسفه تربیتی اسلام مطرح کردند. این مقاله به روش توصیفی ایجاد شده است و ابتدا مفاهیم اولیه فلسفه تعلیم و تربیت توضیح داده شده اند. سپس در مورد حقیقت و راههای کسب آن توضیحاتی داده شده و مکتب های فلسفی غرب شرح داده شده و نماد سازی شده اند. به دنبال آن به توضیحاتی در باره فلسفه تربیت اسلام یا رئالیسم اسلامی پرداخته شده است. محتوای اصلی مقاله بررسی سیر تحول فلسفه تربیتی غربی و مقایسه آن با فلسفه تربیتی اسلام می باشد. در نهایت دستاورد این پژوهش ارائه جدولی شامل هفت تفاوت (نه اختلاف) بین فلسفه غربی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی می باشد.

واژه های کلیدی: آموزش، پرورش، بارآوردن، تربیت، مکتب های فلسفی غرب، فلسفه تحلیلی، رئالیسم اسلامی، تشخیص حقیقت

مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی

دوره ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۶۵-۷۶